

قطعهنامه در مورد برنامه عملی و مشخص ما، برای الغاء ستم، تبعیض و نابرابری ملی

نظر به این که :

- ۱- دوران شکل گیری ملت‌ها و جنبش‌های ملی که نیاز پیدایش جامعه سرمایه‌داری و بورژوازی در مرحله معینی از تکامل تاریخی جامعه بشری بود، به لحاظ تاریخی، مدت‌های مدیدی است که سپری شده است.
 - ۲- روند شکل‌گیری ملت‌هایی که با یک تأخیر تاریخی، مرحله تکاملی خود را آغاز نمودند، نیز با تحولات قرن بیستم و فروپاشی نظام مستعمراتی جهان به فرجام رسیده است.
 - ۳- جنبش‌های ملی که در پی تحولات سیاسی اوضاع جهان در اواخر قرن بیستم شکل گرفتند، به وضوح نشان دادند که این جنبش‌ها، فاقد هرگونه توجیه تاریخی یا وظائف مشخص‌اند و صرفاً ابزار دسیسه‌های دیپلماسی قدرت‌های بزرگ امپریالیست، به منظور تقسیم مجدد بازارهای جهان‌اند.
 - ۴- در نتیجه همین تحولات سیاسی، بقایای جنبش‌های ملیت‌های تحت ستم نیز، اکثراً به نیروی متحد ارتجاع تبدیل شده‌اند.
 - ۵- مطالبه حق تعیین سرنوشت، که زمانی با روش مارکسیستی ارزیابی مشخص و تاریخی از جنبش‌های بورژوا-دمکراتیک و رهائی ملی، به‌عنوان یک پرنسپ در برنامه مطالبات فوری کمونیست‌ها جای گرفت، اکنون، به ابزاری در دست امپریالیسم، ناسیونالیسم و بنیادگرایی اسلامی برای پیشبرد سیاست‌های ارتجاعی، ضد انقلابی و ضد کارگری، تحکیم ستمگری، اسارت، ارتجاع و واپس‌گرایی، تبدیل شده است.
 - لذا با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها، بقاء آن در یک برنامه کمونیستی، دیگر مجاز نیست، چرا که نگاه‌داشتن این بند در برنامه معنای دیگری جز تبلیغ و ترویج روزمره سیاستی نخواهد داشت که در خدمت اهداف و مقاصد ارتجاع است.
 - ۶- بنا بر این، حق تعیین سرنوشت باید به عنوان یک بند برنامه‌ای کنار گذاشته شود. اما حذف آن از برنامه، به معنای نفی آن به طور کلی نیست. مادام که امپریالیسم وجود دارد، مادام که توسعه‌طلبی و الحاق جبری وجود دارد، مادام که تبعیض و ستم ملی وجود دارد، این مطالبه نیز هنوز اعتبار خود را حفظ می‌کند، اما کاربرد آن منوط به یک ارزیابی مشخص خواهد شد.
 - آنچه در برنامه سازمان قرار خواهد گرفت، برنامه عملی و سیاست مشخص مابرای برانداختن ستم، تبعیض و نابرابری ملی، به قرار زیر خواهد بود.
- الف - ما خواهان اتحاد داوطلبانه و آزادانه تمام ملیت‌های ساکن ایران هستیم و هرگونه الحاق و انضمام اجباری را مردود می‌دانیم.
- ب- ما خواهان برابری تمام ملیت‌های ساکن ایران هستیم. لذا، هرگونه ستم، تبعیض و نابرابری ملی، باید فوراً و بدون قید و شرط ملغاً گردد.
- پ- هرگونه امتیاز برای یک ملیت خاص باید ملغاً شود. هیچ امتیازی به هیچ ملیت و زبانی نباید داده شود. تمام ملیت‌های ساکن ایران باید از این حق برخوردار باشند که آزادانه به زبان خود سخن بگویند، تحصیل کنند و در محل کار، مجامع و موسسات عمومی، نهادهای دولتی و غیره از آن استفاده نمایند.
- ت- تقسیمات جغرافیائی و اداری موجود که توسط رژیم‌های ستمگر حاکم بر ایران، مصنوعاً ایجاد شده‌اند، باید ملغاً گردند. مناطقی که دارای ترکیب و بافت ملی و جمعیتی ویژه‌ای هستند، باید محدوده‌های جغرافیائی و اداری خود را توسط شوراهای منطقه‌ای تعیین نمایند و از خودمختاری وسیع منطقه‌ای برخوردار باشند.
- ث- اداره امور مناطق خود مختار، برعهده شوراهای منطقه‌ای منتخب خود مردم منطقه خواهد بود که بر مبنای اصل سانترالیسم دمکراتیک سازمان می‌یابند.
- ج- مردم مناطق خود مختار از طریق شوراهای منتخب خود، در کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان در تعیین سیاست‌های عمومی و مسائل مربوط به اداره امور سراسر کشور، مداخله خواهند داشت.